

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نظریه مصلحت سلوکیه

بحث به این مصلحت سلوکیه مرحوم شیخ انصاری (اعلی الله مقامه شریف) رسید، با اینکه کلمات شیخ (ره) در این نظریه‌شان اضطراب دارد و مقداری به صورت مختلف مطرح شده است، اما مجموعاً از فرمایش شیخ (ره) استفاده می‌کنیم که اولاً قائل‌اند به اینکه در فرض قیام امارات، «واقع علی ما هو علیه» است و اینطور نیست که در واقع و ملاک واقع تغییری به وجود بیاید.

نظر شیخ (ره) این است که وقتی امارات قائم می‌شوند، ولو این امارات بر خلاف واقع هم باشند، اما واقع بر همان که قبلاً بوده باقی است، مثلاً اگر اماره بر وجوب نماز جمعه قائم شد و در واقع نماز ظهر واجب باشد، باز این واقع به همان قوت خودش باقی می‌ماند.

نکته دومی که مرحوم شیخ (ره) روی آن تأکید داشته‌اند این است که این اماره سبب ایجاد یک مصلحت جدید در مؤدای خودش نمی‌شود؛ این چنین نیست که مثلاً با این قیام اماره بر اینکه نماز جمعه واجب است و حال آنکه در واقع نماز ظهر واجب است، این اماره سبب ایجاد یک مصلحت جدید در مؤدای آن شود، لذا نماز جمعه با قیام اماره مصلحت‌دار نمی‌شود.

نکته سوم این است که مرحوم شیخ (ره) التزام قلبی به مؤدای اماره را لازم نمی‌دانند و این چنین نیست که اگر مثلاً اماره‌ای بر وجوب نماز جمعه قائم شد، بر انسان التزام قلبی به این اماره لازم باشد.

حال فقط دو مطلب دیگر باقی می‌ماند؛ یک مطلب اینکه خیلی‌ها وقتی می‌خواهند نظریه شیخ (ره) را نقل کنند، این مطلب را می‌گویند که: شیخ (ره) قائل است به اینکه در سلوک بر طبق این اماره مصلحت است و معنای سلوک این است که در مقام خارج عمل خودمان را مطابق با این اماره قرار دهیم، «تطبيق العمل علی الاماره».

اگر در این قسمت کتاب رسائل را مطالعه کنید، مقداری در این جهت اختلاف دارد که بعد از اینکه مرحوم شیخ (ره) فرموده: در سلوک مصلحت وجود دارد، بعضی از تلامذه ایشان اشکالی کرده‌اند و مرحوم شیخ (ره) اشکال را وارد دیده و یک کلمه امر به آن اضافه کرده و فرموده: در امر به این سلوک مصلحت وجود دارد، یعنی در اینکه مولا به سلوک بر طبق اماره امر کند، در خود این امر مصلحت است.

لذا روشن شد که نظریه شیخ (ره) مردد بین این دو مطلب است؛ یکی اینکه شیخ (ره) خواسته بفرمایند که: در سلوک این اماره و در تطبیق عمل بر طبق این اماره مصلحت وجود دارد و باید در خارج عمل خودمان را مطابق این اماره قرار دهیم و دوم اینکه مراد مرحوم شیخ (ره) از این مصلحت سلوکیه این باشد که مصلحت در خود امر به سلوک هست و این که مولا به سلوک بر

طبق این اماره امر می‌کند.

نقد و بررسی نظریه مصلحت سلوکیه

در اینجا ببینیم آیا مصلحت سلوکیه یک فرمایش تامی هست یا نه؟ بر مصلحت سلوکیه مرحوم شیخ(ره) اشکالات فراوانی وارد شده است.

امام(رضوان الله تعالی علیه)(أنوارالهدایه، ج1، ص194 و تهذیب الأصول، ج2، ص64) - کتاب أنوارالهدایه را به قلم شریف خودشان نوشته‌اند، اسم مباحث ألفاظ را مناهج الوصول گذاشته و اسم مباحث حجج را أنوارالهدایه گذاشته‌اند. - اشکالاتی را بر این مصلحت سلوکیه مطرح کرده‌اند و غیر از این اشکالات، دو سه اشکال دیگر هم وجود دارد.

حال ولو اینکه الآن در بحث از اجزاء هستیم و جای اساسی این بحث در همان مباحث امارات و جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری است، اما این اشکالات را هم مطرح می‌کنیم تا ببینیم که آیا مصلحت سلوکیه شیخ(ره) قابل قبول است یا نه؟ البته طبعاً بحث دقیق‌تر را در مباحث جلد دوم ان شاء الله عرض می‌کنیم.

اشکال اول:

اولین اشکالی که امام(ره) بیان کرده این است که فرموده‌اند: این اماراتی که در شریعت داریم، یک طرق عقلاییه‌اند و عقلاء در امور خودشان، در سیاسات و معاملات به چیزی شبیه همین امارات عمل می‌کنند و در نتیجه در جعل این طرق و امارات تعبیرشان این است که یک عنوان تأسیسی ندارند، بلکه یک عنوان امضایی دارند، یعنی اگر شارع در شریعت خبر واحد را حجت قرار داد، اینطور نیست که این هم مثل وجوب نماز و حج یک حکم تأسیسی باشد.

اگر از اول گفتیم که: دلیل حجیت خبر واحد بنای عقلاست که مسئله روشن است و بر فرض هم که گفتیم: از آیات و روایات استفاده می‌شود، آن هم یک عنوان امضایی است یعنی شارع آن بنای عقلایی را امضاء کرده است. پس این یک مقدمه که اماراتی که داریم عقلاییه است و شارع آن را امضاء کرده است.

مقدمه دوم این است که سراغ عقلاء رفته و بگوییم که: آیا چیزی به نام مصلحت در سلوک می‌فهمید یا نه؟ وقتی که می‌گویید: این خبر واحد مؤثق برای شما حجیت دارد، آیا غیر از یک طریقت به واقع است؟ آیا عقلاء برای این خبر حرف دیگری هم دارند؟ آیا عقلاء می‌گویند که: یک مصلحتی در سلوک ما بر طبق این اماره وجود دارد که همان تصدیق عمل در خارج بر این اماره است؟ عقلاء این حرف را نمی‌زنند، بلکه می‌گویند که: به این خبر عمل کن، چه بسا مطابق با واقع باشد.

این اشکال اولی که مرحوم امام(قدس سره الشریف) بر مصلحت سلوکیه وارد کرده‌اند و در ذیل همین اشکال اول فرموده‌اند: مصلحت سلوکیه «لا أساس لها»، هیچ اساسی برای مصلحت سلوکیه نیست و این یک مطلب بسیار روشنی است.

نقد و بررسی اشکال اول توسط استاد محترم

به نظر می‌رسد که این اشکال اول، یک اشکال متین و محکمی است، اما چیزی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که در مسئله حجیت خبر واحد، یک کبرای کلی درست کرده و می‌گویند: عمل به مظنه حرام است، حال مرحوم شیخ(ره) به عنوان

یک حکم تکلیفی آن را مطرح کرده و فرموده: اصل اولی حرمت تعبد به ظن است و مرحوم آخوند(ره) به عنوان یک حکم وضعی مطرح کرده و فرموده: اصل اولی عدم حجیت ظن است.

اما بعد مواردی را از آن قاعده اولی به عنوان ظن خاص استثناء می‌کنید که اگر به عنوان ظن خاص استثناء کردیم، چه اشکالی دارد که بگوییم: تأسیسی است؛ اصلاً به شیوه عقلاء چکار داریم؟ بگوییم: شارع ظن خاص را به عنوان تأسیسی حجیت قرار داده است.

آنچه که در بین عقلاست، عقلاً دو صورت دارد؛ یا از این باب است که غالباً اطمینان می‌کنند و از روی اطمینان به اخبار یکدیگر ترتیب اثر می‌دهند که از محل بحث ما خارج است، وقتی که می‌خواهیم خبر واحد را حجت قرار دهیم، هیچ کسی نمی‌گوید که: از باب این است که برای ما اطمینان آور است و این عنوان ظن خاص را ندارد.

لذا به نظر می‌رسد که ظن خاص راهی غیر از تأسیسی بودن نداشته باشد و برای ظنون خاصه اگر بخواهیم ظن خاص را معتبر بدانیم، راهی نداریم غیر از اینکه از راه حکم تأسیسی وارد شویم.

علی ای حال ظاهراً بین اینکه شارع بفرماید: *أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ* که در این یک حکم امضایی است و بین اینکه بفرماید: خبر واحد عادل حجیت دارد فرق وجود دارد، در آنجا *أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ* یک حکم امضایی است و بیع یک معامله جایز و رایج بین عقلاء بوده که شارع هم آن را امضاء کرده است، اما عمل به خبر واحد به عنوان ظن خاص است، یعنی ولو اینکه برای این شخص افاده ظن شخصی هم نکند و الآن یک مجتهد تا یک روایت صحیحی دید باید به آن عمل بکند، می‌خواهد برای این مجتهد افاده‌ی ظن خاص بکند.

لذا در مقابل این فرمایش امام(ره) این طور عرض می‌کنیم که غیر تأسیسی بودن یا امضایی بودن امارات معلوم نیست و همین مقدار که معلوم نباشد، این اشکال اول را مخدوش می‌کند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) اگر خبر واحد را از باب سیره عقلاییه حجت بدانیم، اصلاً از بحث خارج می‌شود، برای اینکه این عین امضائیت است، اما اگر کسی خبر واحد را از راه آیات و روایات حجت دانست و گفت: این آیات و روایات می‌خواهد خبر واحد را به عنوان ظن خاص حجت قرار دهد، این دیگر ربطی به سیره عقلاییه ندارد و عرض کردیم که فرمایش امام(ره) در صورتی تمام می‌شود که حجیت تمام امارات از راه سیره عقلاییه باشد که اصلاً امضاء است.

بالآخره فرمایش امام(ره) در صورتی تمام است که حجیت جمیع طرق و امارات را از راه سیره عقلاییه اثبات کنیم، آیا این درست است؟ یعنی واقعاً تمام این طرق و امارات از راه سیره اثبات می‌شود؟ مثلاً در باب بینه که می‌گویید: بینه حجیت شرعیه دارد، آیا حجیت بینه فقط از راه سیره‌ی عقلاییه است یا اینکه دلیل حجیت بینه را روایات قرار می‌دهید؟

اشکال دوم

اشکال دومی که امام(ره) بیان کرده‌اند و در کلمات مرحوم محقق بروجردی(اعلی الله مقامه شریف)(نهاية الأصول، ص446) هم وجود دارد، یعنی اصل این اشکال دوم به همان اشکالی که مرحوم بروجردی(ره) بیان کرده برمی‌گردد و اشکال این است که سلوک یعنی آوردن مفاد اماره، لذا اصلاً بین سلوک بر طبق اماره و عمل به مؤدای اماره چه فرقی وجود دارد؟

اینکه می‌فرمایید: یک مصلحتی در سلوک وجود دارد، این فرع بر این است که عنوانی برای سلوک داشته باشید که سلوک بر

شیئی غیر از آن مفاد اماره منطبق شود. مثلاً اماره می‌گوید: «صلاة الجمعة واجبه»، آیا در اینجا دو عنوان دارید؛ یکی عنوان آوردن نماز جمعه در خارج و عنوان دومی هم به عنوان سلوک یا نه؟ چون سلوک همان آوردن نماز جمعه است.

امام(ره) فرموده: سلوک یک مفهوم مصدری نسبی است و مفاهیم مصدریه نسبییه هیچ وجودی جز در عالم اعتبار ندارند، وقتی بر طبق اماره عمل می‌کنید، عملتان این است که در خارج نماز جمعه را اتیان می‌کنید، حال آیا در عالم خارج و واقع، غیر از آوردن نماز جمعه، عمل دومی هم به نام سلوک دارید یا نه؟

به عبارت دیگر اینها در این اشکال گفته‌اند که: باید یک فعلی را نشان بدهید که قابلیت تعلق مصلحت و مفسده را داشته باشد، فرموده‌اید که: در سلوک مصلحت است، آیا سلوک غیر از این است که نماز جمعه را در خارج بخوانید؟ آیا چیز دیگری به نام سلوک دارید که بگویید: این خواندن نماز جمعه مصلحت ندارد، بلکه سلوک مصلحت دارد؟

لذا عرض کردیم که همین اشکال بوده که بعضی از تلامذه شیخ(ره) به ایشان وارد کرده‌اند که بعد فرموده‌اند: یک امر هم کنارش اضافه کنید که در این امر به سلوک مصلحت وجود دارد. پس معلوم می‌شود که خود سلوک چیزی غیر از آن عمل خارجی نیست.

نقد و بررسی اشکال دوم توسط استاد محترم

بر این اشکال هم حاشیه‌ای داریم که اگر سلوک در هر اماره‌ای را جدا بگیریم و منحصر به همان اماره بخواهیم بررسی کنیم، این حرف درست است که بگوییم: این اماره یک سلوک دارد و آن اماره دیگر سلوک دیگر دارد. اما سلوکی که مرحوم شیخ(ره) گفته این است که: ملتزم باشم که در خارج تمام اعمال خودم را بر طبق امارات قرار دهم که این مجموعه را سلوک می‌گویند. اگر در یک اماره بگوییم که: در این اماره؛ یک عمل نماز جمعه داریم و یک سلوک هم داریم، در این صورت اشکال وارد است، اما اگر مجموع را حساب کرده و گفتیم که: در مجموع این شخص از امارات تخطی نکرده و عمل خودش را بر وفق این امارات قرار داده است، در اینجا سلوک محقق و معتبر در نزد عقلاست و قابلیت مصلحت و مفسده را دارد.

و صَلَّی اللہ علی محمد و آلہ الطاہرین